

# اصناف مشهد در دوران قاجار و پهلوی اول از نگاه ویلم فلور

علی گل رمضانی<sup>۱</sup>

## چکیده

ویلم فلور، در سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۳ م. در دانشگاه اوترخت (هلند) در رشته اقتصاد توسعه و جامعه‌شناسی تحصیل کرد و نیز زبان‌های فارسی و عربی را آموخت و اسلام‌شناسی خواند. او کتاب‌هایی درباره تاریخ اقتصادی - اجتماعی ایران نوشت. از جمله: *بهداشت عمومی در ایران قاجاری، کشاورزی در ایران قاجاری، تاریخ نمایش در ایران، القاب و اجرت‌ها در ایران صفوی*. اما از کتاب *تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار* مطالبی درباره اصناف از جمله اصناف در خراسان و مشهد آورده شده است. در این مقاله، این مطالب جمع‌آوری و به صورت تک‌نگاری، شامل نقش روس‌ها و انگلیس‌ها در اقتصاد خراسان و جامعه ایران در دوره قاجار و اصناف در خراسان و مشهد و چگونگی معاملات و محصولات، آن‌ها فراهم آمده است. امید است با توجه به نقش این قشر از جامعه در حیات اجتماعی ایران، در آینده به‌طور دقیق به نقش آن‌ها در تاریخ اجتماعی ایران پرداخته شود.

**کلیدواژه‌ها:** اصناف، انگلیس، خراسان، روس، مشهد.

## مقدمه

پس از جدایی افغانستان از ایران، شهر مشهد در شرق ایران اهمیت نظامی و استراتژیک خاصی پیدا کرد. این شهر علاوه بر انگلیسی‌ها که آن را سدی در مقابل مستعمرات خود در هند می‌دانستند، برای روس‌ها هم به سبب همسایگی و بازار اقتصادی آن، حایز اهمیت بود.

در مشهد، مردم و حاکمان مخالف هرگونه سرمایه‌گذاری بیگانگان در این شهر بودند چون عالمان دینی این عقیده را به مردم القا می‌کردند که همانند دیگر شهرهای مذهبی مثل مکه، مدینه و کربلا؛ هیچ دولت غیرمسلمانی اجازه تأسیس کنسولگری در مشهد را ندارد. این عقیده و کشمکش برای دو قدرت بزرگ استعماری قرن ۱۹م. روس و انگلیس سرسودی تصرف بازار پراز زائر مشهد را در سر داشتند، حایز اهمیت بود.

اصناف در تاریخ معاصر مشهد در کنار دیگر نهادها و مردم، نقش اساسی داشتند؛ چه در دوره مشروطه و چه در وقایع شهریور ۱۳۲۰ و متعاقب آن، در حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) اصناف که در بطن اجتماع قرار داشتند، محرک مبارزه بودند. بازار به عنوان قلب اقتصادی هر اجتماع، اثرات متفاوتی را می‌تواند بر روند سیاسی - اقتصادی جامعه داشته باشد.

در این مقاله به اصناف در مشهد در دوران قاجار و پهلوی اول با توجه به مطالعات «ویلم فلور» نگاه می‌شود. این تک‌نگاری با توجه به دسترسی نداشتن نگارنده به دیگر منابع، از آن رو اهمیت دارد که هرآنچه از زبان این مورخ و جامعه‌شناس هلندی درباره خراسان و مشهد بیان شده، جمع‌آوری گردیده است.

### ساختار جامعه ایران در دوره قاجار

جامعه ایران در دوره قاجار، یک جامعه فئودال یا ماقبل صنعتی بود. شاه در رأس مملکت قرار داشت و خود را حامی و مدافع دین، اسلام پناه و سایه خدا (ظل الله) می‌دانست. جامعه ایران در دوره قاجار مجموعه‌ای از ساخت‌های متحد بود که هر یک پایه و رأس و نفوذ خاص خود را داشت. این گروه‌ها (قبیله، عشیره، دهکده، علما) یک صنف را تشکیل می‌دادند. افراد به کمک حامیان یا واسطه‌ها می‌توانستند وضع خود را بهبود ببخشند یا شاهد اجرای عدالت باشند. مناصب حکومتی با بالاترین مزایده به

فروش می‌رسید. حکومت مرکزی توجه خود را به یک وظیفه (جمع‌آوری مالیات) معطوف می‌کرد؛ بار ستم بردوش مردم سنگینی می‌کرد، حکومت بیش از همیشه پول برای مخارج سپاه و دولت و مسافرت‌های شاه به فرنگ لازم داشت؛ تنها وسیله دفاعی مردم طبقه پایین، بست نشستن بود که از طریق برخی از علما که واسطه‌های با نفوذی بودند که در دسترس همه مردم قرار داشتند، انجام می‌شد. نظام اقتصادی در دوره قاجار زیر سلطه یک گروه کوچک از بازرگانان با نفوذ عمده فروشی، قرار داشت که سود سرشماری به دست می‌آوردند. در نتیجه، سازمان اقتصادی کشور ضعیف بود. از جمله علل این امر، ضعف ارتباطات (جاده‌های نامطلوب، و حمل کالا با شتر و قاطر)، نبود تشکیلات درمیان بازرگانان، عقب ماندگی شیوه توزیع و نامرغوبی و گرانی کالاهای تجاری بود که اغلب بر نظام قیمت‌ها به ضرر مصرف‌کننده اثر می‌گذاشت. با این همه مشکلات، برجسته‌ترین بخش زندگی اقتصادی، از آن اصناف بود.

### اصناف در لغت و اصطلاح

حسادت را در بدن از خوف توخون نیست ورهست چنان نیست که اصناف امم را (انوری)

اسم عربی، ج صنف، قسمت‌ها و انواع و گونه‌ها، اصناف قبایل؛ قبایل مختلف، گروه‌ها (دهخدا، ۷۱۷).

(Cilds) صنف، جمع آن اصناف، اصطلاحات دیگری نظیر صنعت، پیشه و حرفه فقط به معنی (cr& fe) است. بسیاری از نویسندگان به غلط گروه‌هایی را که کسبه و صنعتگر نبوده‌اند، نیز اصناف خوانده‌اند.

تجار به این گروه تعلق ندارند، حتی در سلام نوروز اصناف و تجار جدای از هم هستند (فرصت، ۱۳۱۶: ۵۰۱).

تجار واقعی کسانی هستند که به حرفه صدور و ورود کالا یا عمده‌فروشی در داخل کشور مشغولند (گرینفیلد، ۱۹۰۶: ۲۶).

«صنف متشکل از گروهی از مردم شهرنشینی است که شغل واحدی دارند و رئیس آن‌ها یک شیخ است.» (فلور، ۱۳۶۵: ۳۲).

اما به نظر فلور، در ایران اصناف با دیگر کشورها تفاوت دارند: «گروهی از مردم شهرنشین که کسب یا حرفه واحدی داشته، از میان خود رئیس برمی‌گزینند و مالیات‌های صنفی می‌پردازند و وظایف اقتصادی، اجتماعی، مالی و سیاسی دارند (همان، ۳۴).

طبق گفته فلور و بیشتر جامعه‌شناسان و مورخان، آمارهای مربوط به اصناف ایران اندک، ناقص و ناموفق است. در این میان، باید برای اصناف اصفهان استثنا قایل شد؛ چون مطالب و مدارک زیادی وجود دارد اما جامع نیست. امید دارم این مقاله فتح‌بابی برای محققان باشد تا در این زمینه بیشتر تلاش کنند.

### تاریخچه اصناف در ایران

پیشینه اصناف اسلامی به قرن سوم هجری می‌رسد که دوره شکوفایی تمدن اسلامی و رونق تجارت و شهرنشینی بود. در این دوران، هزاران نفر از ساکنان شهرها و روستاها در صنعت پیشه‌ها به کار گمارده شدند؛ شکل افزارمندان و صنعتگران براساس حرفه‌ها و پیشه‌ها آغاز شد و رشد و توسعه کامل شهرها در قرن‌های پنجم و ششم هجری، فعالیت‌های اصناف را توسعه بخشید. برخی از خاورشناسان روسی منشأ انجمن‌های صنفی را در شهرهای ایران در دوره ساسانیان می‌دانند (پیمان، ۱۳۷۹: ۲۴). سهیل کاشانی در کتاب خود از ۳۳ صنف پیشه‌ور و ۹۹ استاد کار نام می‌برد. این ارقام تنها مربوط به پیشه‌وران است و اصناف بازرگانی و کسبه را شامل نمی‌شود (کاشانی، ۱۳۴۱: ۲۳۶).

### خراسان عرصه رقابت استعمار روس و انگلیس

پس از انعقاد قرارداد آخال که به موجب آن روسیه همسایگی خود را بر ایران تحمیل کرد، مشهد به عنوان مرکز و مهم‌ترین شهر شرقی ایران بیش از پیش مورد توجه روس‌ها قرار گرفت. روس‌ها به منظور بسط نفوذ اقتصادی خود، بخش گمرک باجگیران را تأسیس کردند و سپس مصمم شدند در مشهد کنسولگری دایر کنند. هم‌زمان با سفر ناصرالدین شاه به مشهد در سال ۱۲۶۱ ق. میرزا کریم بیک قره‌باغی به عنوان کارپرداز از دولت روسیه به خدمت ناصرالدین شاه رسید. هم‌زمان با استقرار کارپردازی روسیه در مشهد جمعی از

مسلمانان سنی و شیعه قفقازی و آسیای مرکزی اعم از ترکمن و تاجیک و ازبک مقیم مشهد، خود را در زمره اتباع روسیه در آوردند. انگیزه آن‌ها از این کار، تحت شمول قرار گرفتن حق قضاوت کنسولی (کاپیتالاسیون) روس‌ها بود که پس از عهدنامه ترکمنچای از ایران گرفتند. حتی برخی از ساکنان مشهد که میانه خوبی با حاکمیت قاجار نداشتند، تابعیت روسیه را پذیرفتند. روس‌ها از اختلافات آرامنه با مسلمانان در مشهد به نفع خود استفاده کردند؛ تجارت خانه‌ها را با نفوذ خود در دست گرفتند و روبل روسی را در معاملات بازار مشهد رواج دادند.

در برخی از مغازه‌ها و حجره‌ها تابلوهایی به زبان روسی نصب کردند، اما روس‌ها با تمام این کارها نتوانستند بازار مشهد را به طور کامل زیر سیطره خود در آورند. آنان این حرکات در شهر مذهبی مشهد، تنفر شدیدی را علیه خود سبب شدند و مردم اجناس آن‌ها را تحریم کردند. به سبب این مسئله و قراردادهای ننگین استعماری روس‌ها، انگلیس‌ها با کمک هندی‌ها نتوانستند در بازار مشهد و خراسان نفوذ کنند، اما آن‌ها هم مانند روس‌ها موفق نبودند. مهم‌ترین عامل شکست آن‌ها، حس وطن‌پرستی مردم خراسان بود و شهر مذهبی مشهد که بیگانگان در آن زندگی کنند؛ عاملی که علمای مذهبی به آن دامن می‌زدند.

### اصناف مشهد در دوران قاجار و پهلوی اول از نگاه ویلم فلور

- در حوالی سال ۱۸۹۳ م. مشهد حدود ۶۵۰ کارخانه ابریشم بافی و ۳۲۰ کارخانه شال بافی داشت؛ در حالی که این آمار در شهر اصفهان در سال ۱۸۵۰ م، ۱۸۰۰ کارخانه شال بافی؛ در کرمان ۱۲۰ کارخانه شال بافی و ۸۰ کارخانه پنبه و در ارومیه ۳۰ کاروانسرا و در همدان ۱۵۰ دکان بوده است ..

- در ۱۸۶۰ م، حاجی قاسم تهرانی ملک‌التجار خراسان شد (ص ۱۵۸).  
«ملک‌التجار» لقبی بود که به نمایندگان این شهرها می‌دادند؛ مثل ملک‌التجار آذربایجان، تهران، بوشهر و ... به طور کلی، همراه با توسعه القاب و عناوین در دوره قاجاریه تجار با نفوذ غیر از ملک‌التجار، نیز لقب‌ها و عنوان‌هایی نظیر مشیرالتجار، معین‌التجار و ناظم‌التجار یافتند.

- در سال ۱۸۹۰ بازار ایران در دست هندی‌ها بود. آن‌ها معمولاً در بندرعباس و بوشهر به تجارت می‌پرداختند و تجار ایرانی معمولاً دلال خارجی‌ها بودند. در این سال، یزد تجارت درخور ملاحظه‌ای داشت. تعدادی از هندی‌های شیکرپوری در آنجا تجارت سرشار از سودی داشتند، برخی از یمنی‌های بستک (نزدیک بندرعباس) معروف به اوزی‌ها (اهالی اوزی) نیز در این شهرتجارت با رونقی داشتند، اینان حدود ۲۵ نفر بودند (گزارش‌های سیاسی و کنسولی). در واقع، در یزد دو طبقه از تجار بودند؛ گروهی که از بمبئی و جنوب کالا وارد می‌کردند و گروهی که این کالاها را خریده به خراسان صادر می‌کردند. گروه اول که ۱۵۰ نفر بودند، عمالی در بمبئی داشتند؛ در حالی که گروه دوم فقط ۷۵ نفر بودند. علاوه بر این، هندوها تعدادی از تجار مسلمان ایرانی بودند که نمایندگان یا شرکایی در یزد، بندرعباس، اصفهان، تهران، مشهد، تبریز، استانبول و... داشتند (وزیری، ۱۸۹۳: ۱۵۸).

در این سال‌ها آمار تاجران و ثروتمندان در شهرهای ایران بررسی شده، اما از تاجران غنی مشهد و خراسان، نامی برده نشده است. از مطالب این‌گونه استنباط می‌شود که تجار مشهد در حد متوسط بودند. به طور مثال: «در رفسنجان یک تاجر صد هزار تومان ملک‌التجار تهران پنجاه هزار تومان املاک داشته است.» «گوبینو» می‌نویسد برخی از تجار بوشهر میلیونر هستند (گوبینو، ۱۱۲۰). در استرآباد حاجی محمدحسن، سرمایه‌ای در حدود صد و ده هزار تومان داشته است. در بیشتر موارد تخمین می‌زدند سرمایه‌ی تجار ایرانی بیش از شش میلیون تومان است. اما «کرزن» می‌نویسد که در سال ۱۸۸۹ م.، در مشهد ۱۴۴ صراف خصوصی یا رباخوار با سرمایه‌ای مشترک به مبلغ ۹۳۱/۰۰۰ تومان یا ۲۶۶/۰۰۰ لیره دیده است.

از این گروه فقط دو نفر هر یک مبلغ صد هزار تومان (۲۸۵۷۰ لیره)؛ سه نفر هر یک ۵۰ هزار تومان (۱۴۲۸۵ لیره) و دو نفر هر یک سی هزار تومان (۸۵۷۰ نیم) داشته‌اند و بقیه با پول اندک معامله می‌کرده‌اند (کرزن، ۱۸۹۲: ۱۶۷).

اگر مطلب کرزن درست باشد، می‌توان چنین استنباط کرد که اوضاع تاجران مشهد در این سال‌ها (۱۸۸۹ م.) بهتر از سال‌های قبل شده و پیشرفت خوبی داشته است. علت آن هم نقش تاجران ارمنی بوده است که در این سال‌ها در مشهد تجارت‌خانه باز کردند و صرافی‌های این شهر را در دست گرفتند. بیشتر کارهای صرافی شامل خرید و

فروش برواتی بود که حواله مراکز تجاری خارجی نظیر بمبئی، لندن، تفلیس، ادسا، بغداد و طرابوزان بود. دیگر ارسال وجه به سایر شهرها، حواله های تجاری محلی، نقد کردن اوراق تجاری با برداشتن تنزیل (مساعده دادن) به تجار معتبر در مبلغ متداول یا مدت های ثابت کوتاه، مساعده دادن به اشخاص خصوصی معتبر با تضمین به مدت حداکثر شش ماه، یا به ملاکان در برابر دریافت محصولات تعداد کمی از آن ها در سرمایه گذاری در خرید منصب توسط یکی از اعیان یا ارسال وجه به حکومت مشغول بودند. مساعده دادن و پیش خرید محصولات در مملکت، نقش مهمی داشت. این امر کاملاً طبیعی بود. چون ایران یک کشور کشاورزی است، مساعده و پیش خرید اساساً در محصولات طبیعی اعمال می شود که زود به پول تبدیل شود مثل: تریاک، تنباکو، گندم، برنج، پنبه و پيله ابریشم. در گیلان، مساعده از ۴ تا ۶ ماه داده می شد، گاه تقریباً معادل تمام پول محصول پیشاپیش حتی قبل از تحویل پيله ابریشم اعتبار داده می شد. در تجارت برنج، بانک روس برنج ها را پیش خرید می کرد تا با کارمزد فروخته نشود. در مشهد، مبالغ زیادی مساعده به تجارت پشم که به طور کامل در دست ارمنیان بود، داده می شد.

در این شهر، خریداران کلی فروش پشم به صاحبان گوسفندان بیش از ۵ تا ۶ ماه پیشاپیش مساعده می دادند. بقیه خریداران نقداً می خریدند. غالباً خریداران باید تمام پشمی را که یک وهله چیده شده بود، بخرند. اینها به نوبه خود از صادرکنندگان با بهره ۱۲٪ به مدت ۲ تا ۳ ماه مساعده می گرفتند. بدین وسیله، صادرکنندگان از دریافت میزان معینی در بازار اطمینان حاصل می کردند. در خرید پنبه در خراسان نیز خریداران باید از ۵ تا ۶ ماه پیش مساعده بدهند.

به نظر می رسد هم نژادان و هم ولایتی ها با هم می زیسته و یک گروه فرعی در داخل اصناف تشکیل می داده اند. برای مثال، صنف قصاب در تهران، کرمی ها (Karmis) که تبعه افغانستان بودند، در بعضی امور هم عقیده بودند بیشتر اعضای صنف خباز تهران، مشهدی ها بوده اند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۳/۴۰۰). که این هم شهری ها یا هم نژادها، در پاتوق ها و کافه های مخصوص اجتماع می کردند (ویللم فلور، ۱۳۶۵: ۴۲). در میان اعضای صنف، از لحاظ اقتصادی پیوند مستحکمی وجود نداشت. اصناف فقط وقتی از خود روح اخوت نشان می دادند که در فعالیت های مذهبی مشارکت داشتند، اما خبازان مشهدی در تهران «سازمان فتوت» داشتند و این آداب را طبق مراسم فتوت قرن ها قبل انجام می دادند.

## منابع

- پیمان سید حسین (۱۳۷۹). اقتصاد و مدیریت در آینه تاریخ مکتوب ایران، وثقی، تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۵). فرهنگ لغات، انتشارات دانشگاه تهران.
- فرصت، میرزا آقا حسین شیرازی (۱۳۱۶). آثار عجم، تهران.
- فلور، ویلم (۱۳۶۵). جهت‌رهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ج ۱. انتشارات توس، تهران.
- کاشفی، سهیل (۱۳۴۱). تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، تهران.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰). ایران و قضیه ایران، ج ۲، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- گزارش‌های سیاسی و کنسولی (۱۳۸۹). شماره ۹۷۶، مشهد (۱۸۹۲ م).
- لمبتون، آن کاترین سواپن فورد (۱۳۷۷). مالک و زارع در ایران، مترجم، منوچهر امیری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). شرح زندگانی من، دلارنگ، تهران.